

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه لرستان

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

گروه: تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد "M.A"

رشته: تاریخ گرایش ایران اسلامی

عنوان:

بررسی و تحلیل روابط صفویه و اوزبکان در عصر شاه صفی

(۱۰۵۲ - ۱۰۳۸ هـ.ق)

استاد راهنما:

دکتر جهانبخش ثواقب

استاد مشاور:

دکتر شهاب شهیدانی

نگارش:

سمیرا قلاوند

زمستان ۱۳۹۲

تقدیم به:

پدرو مادر مہربانم؛

بہ پاس ہمہ ی زحمات صادقانہ،

و محبت ہای بی دریغ شان.

سپاس نامه:

از زحمات استاد گرانقدر جناب آقای دکتر جهانبخش ثواقب که با سعه صدر فراوان راهنما و مشوقم بوده و

با دقت نظر بسیار از نظریات عالمانه خود مرا بهره‌مند نموده است، بی‌نهایت سپاس گزارم.

نیز از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر شهاب شهیدانی، استاد مشاور، که در انجام این رساله یاری‌ام نمودند

کمال تقدیر و سپاس را دارم.

و سپاس از همه‌ی کسانی که به نوعی در سامان یافتن این پژوهش مرا یاری و مساعدت دادند.

چکیده

با تشکیل دولت صفویه در آغاز سده‌ی دهم هجری (۹۰۷ ه.ق.) مناسبات جدیدی میان ایران با همسایگان خود در شرق و غرب کشور نظیر عثمانیان، اوزبکان و گورکانیان هند، رقم زده شد که وجه غالب آن، درگیری‌های نظامی و کشمکش و ستیزه بود. در میان این دولت‌ها، تنش میان صفویان با اوزبکان و عثمانیان شدیدتر بوده و این ستیزه‌ها، جنگ‌های مهمی را بین طرفین شکل داد. درگیری‌های اوزبکان با صفویان از همان آغاز منجر به جنگ سرنوشت‌ساز مرو میان محمدخان (شیبک‌خان) اوزبک و شاه اسماعیل صفوی شد (۹۱۶ ه.ق) و دامنه‌ی این منازعات در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت. این درگیری‌ها بیشتر بر سر ولایت خراسان بود که از نظر سوق‌الجیشی و اقتصادی مهم بود و اوزبکان قصد تصرف آن را داشتند و صفویان نیز برای حفظ آن و تثبیت مرزهای شرقی، بارها به مقابله‌ی آنان شتافتند. در حاکمیت شاه صفی نیز مرزداران و سرداران اوزبک بارها خراسان را مورد تاخت و تاز قرار داده و دست به تهاجم و قتل و غارت زدند. در نتیجه شاه صفی با تغییر سیاست مدارا و نرمش اولیه‌ی خود، در برابر اوزبکان موضع شدیدتری گرفت و سرداران او سرانجام توانستند اوزبکان را شکست داده و آنان را وادار نمایند که به برقراری مصالحه در رابطه‌ی مسالمت‌آمیز تن در دهند. در این رساله، علاوه بر بررسی زمینه‌ها و عوامل خصومت و ستیزه‌های دیرینه‌ی صفویان و اوزبکان، به منازعات این دو همسایه در دوره زمامداری شاه صفی (۱۰۵۲ - ۱۰۳۸ ه.ق.) به ویژه بر سر ایالت خراسان پرداخته شده و ضمن بررسی عوامل درگیری‌ها و شرح تهاجمات مکرر اوزبکان، روند رابطه‌ی این دو قدرت با یکدیگر در این دوره تبیین شده است. یافته‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر تفاوت دیدگاه‌های مذهبی و پیشینه‌ی دشمنی و نزاع دیرینه‌ی دو دولت، ایالت خراسان به سبب موقعیت راهبردی در شرق ایران، اهمیت تجاری - اقتصادی، گستره‌ی سرزمینی و چشم‌انداز طبیعی، حیات شهری و بازارهای برخوردار از مصنوعات و ملزومات، عامل عمده‌ای در تهاجمات مکرر اوزبکان به این ایالت در عهد شاه صفی و شکل‌گیری درگیری‌های مکرر بین صفویه و اوزبکان در این دوره بوده است. بنابراین، سیاست اوزبکان نسبت به خراسان تهاجم مکرر به قصد تصرف سرزمینی یا غارت و چپاول در راستای استحکام پایه‌های حکومت خود بود و سیاست صفویه دفاع در برابر تهاجمات با مصون‌سازی سرحدات و تشکیل سپاه ویژه‌ی خراسان و حفظ این ایالت مهم در حوزه‌ی حاکمیتی خویش بوده است.

واژگان کلیدی: صفویه، اوزبکان، شاه صفی، خراسان.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	۱-۱- مقدمه
۳	۱-۲- تعریف مسأله
۴	۱-۳- پرسش‌های پژوهش
۴	۱-۴- فرضیه‌های پژوهش
۵	۱-۵- پیشینه‌ی موضوع
۵	۱-۶- ضرورت‌ها و اهداف پژوهش
۶	۱-۷- روش پژوهش
۶	۱-۸- ساختار پژوهش
۷	۱-۹- مروری بر منابع پژوهش
	فصل دوم: تحولات سیاسی صفویه از آغاز تا شاه صفی
۱۷	۲-۱- چشم‌انداز عمومی
۱۸	۲-۲- اسماعیل یکم، تلاش برای حاکمیت
۲۰	۲-۳- طهماسب یکم، جدال درونی، تهاجمات مرزی
۲۲	۲-۴- جانشینان طهماسب، نابسامانی داخلی و ناتوانی سیاسی
۲۷	۲-۵- سلطنت عباس یکم، اقتدار دولت صفوی
	فصل سوم: اوضاع سیاسی عصر شاه صفی
۳۰	۳-۱- مروری بر حیات فردی شاه صفی
۳۰	۳-۱-۱- شرح زندگانی
۳۱	۳-۱-۲- جلوس و تاج‌گذاری
۳۴	۳-۱-۳- خصوصیات فردی
۳۵	۳-۱-۴- زنان و فرزندان
۳۶	۳-۱-۵- وفات
۳۷	۳-۲- سیاست داخلی شاه صفی

۳۸	۳-۲-۱- تشکیل شورای مشورتی
۴۰	۳-۲-۲- دادگری و نرمش آغازین
۴۲	۳-۲-۳- انعامبخشی شاهانه
۴۴	۳-۲-۴- تعیین ارکان جدید دولت
۴۵	۳-۲-۵- سیاست براندازی رجال صفوی
۴۷	۳-۲-۶- ضعفها و ناتوانی‌های شاه صفی

فصل چهارم: مروری بر تحولات اوزبکان

۵۲	۴-۱- اصل و نسب اوزبکان
۵۲	۴-۲- تأسیس سلسله‌ی اوزبکان
۵۳	۴-۳- قدرت یابی شییک‌خان
۵۶	۴-۴- امرای اوزبک پس از شییک خان

فصل پنجم: مناسبات شاه صفی با اوزبکان

۶۰	۵-۱- صفویان و اوزبکان: بررسی عوامل و زمینه‌های خصومت
۶۴	۵-۲- جنگ مرو، سرآغاز بحران
۶۷	۵-۳- تحولات سیاسی و نظامی بعد از مرو
۶۸	۵-۴- منازعات شاه طهماسب و عبیدخان بر سر خراسان
۷۰	۵-۵- ایران و اوزبکان از ۹۸۴ تا ۹۹۶ هـ. ق.
۷۲	۵-۶- ایران و اوزبکان در سلطنت شاه عباس یکم
۷۵	۵-۶-۱- جنگ رباط پریان
۷۷	۵-۶-۲- از رباط پریان تا پایان سلطنت شاه عباس (۱۰۳۸ هـ. ق.)
۸۰	۵-۷- تهاجمات اوزبکان در عصر شاه صفی: بررسی عوامل
۸۲	۵-۷-۱- آغاز تهاجمات در مرزهای شرقی
۸۲	۵-۷-۱-۱- جنگ نسا
۸۴	۵-۷-۱-۲- درگیری ماروچاق
۸۵	۵-۷-۱-۳- تغییر سیاست شاه صفی
۸۷	۵-۷-۱-۴- محاصره مرو
۸۹	۵-۷-۱-۵- حمله مجدد به ماروچاق

- ۹۱ ۵-۷-۱-۶- حملات عبدالعزیزخان به خراسان
- ۹۲ ۵-۷-۱-۷- درگیری جام
- ۹۵ ۵-۷-۱-۸- تأثیر صلح زهاب در روابط شاه صفی و اوزبکان

۹۷ نتیجه‌گیری

منابع و مأخذ

- ۹۸ الف) منابع تاریخی
- ۱۰۲ ب) پژوهش‌های جدید

فصل اول:

کلیات پژوهش

۱-۱-۱- مقدمه

دولت صفویه از همان اوان تأسیس (۹۰۷ ه.ق) با همسایگان خود در شرق و غرب کشور، مناسباتی پیدا کرد که وجه غالب آن درگیری‌های نظامی و اختلاف و ستیزه بود. عثمانیان، اوزبکان و گورکانیان هندوستان که دو دولت اخیر تقریباً همزمان با صفویه شکل گرفتند، قدرت‌هایی هستند که در خلال دو سده به صورت‌های گوناگون، دولت صفویه به آن‌ها اشتغال داشته است. در میان این دولت‌ها، تنش میان صفویه با اوزبکان و عثمانیان شدیدتر بوده و این ستیزه‌ها جنگ‌های مهمی را بین طرفین شکل داده است. اختلاف مذهبی صفویه با این همسایگان (اختلاف تشیع و تسنن) و توسعه‌طلبی سیاسی هر کدام از این دولت‌ها که قصد گسترش قلمروی خود را به زیان دیگری داشت، و عوامل متعدد دیگر زمینه اختلافاتی را بین آن‌ها فراهم نمود که سال‌ها این دولت‌ها را به یکدیگر مشغول ساخت. اختلاف ایران و عثمانی بر سر بین‌النهرین و بغداد و گرجستان و تحریک کردهای نواحی غربی توسط عثمانی‌ها علیه ایران و حمایت از پناهندگان ایرانی به خاک عثمانی، بارها موجب شد که صفویه با همسایه غربی خود عثمانی به جدال برخیزد که بی‌شک خسارت‌ها و پیامدهای نامطلوبی برای هر دو کشور به جا گذاشت. ولی در مجموع صفویان با مقاومت در برابر عثمانیان توانستند که وحدت سیاسی و استقلال کشور و حاکمیت مذهب تشیع را در داخل مرز و بوم ایران حفظ کنند؛ اگرچه به زیان عثمانی ناچار شدند با کشورهای اروپایی متحد شده و دنیای مسیحی را به اتحاد علیه عثمانی فراخوانند. همین دشمنی و رقابت‌ها موجب پدید آمدن مرزبندی‌های سیاسی و در نتیجه افول پیوندهای فرهنگی دو کشور و کاسته شدن حوزه نفوذ فرهنگی ایران در آسیای صغیر شد.

درگیری‌های اوزبکان با صفویان نیز که از همان آغاز با رویارویی دو حریف قدرتمند یعنی محمدخان شیبانی (شیبک خان) اوزبک با شاه اسماعیل صفوی پدید آمد و در دوره‌های بعد ادامه یافت، بیش‌تر بر سر ولایت خراسان بود که از نظر سوق‌الجیشی و اقتصادی مهم بود و اوزبکان قصد تصرف آن را داشتند و صفویان نیز برای حفظ آن و تثبیت مرزهای شرقی بارها به مقابله‌ی این همسایه‌ی مهاجم رفتند. اتحاد عثمانی و اوزبکان که عامل اتحاد مذهب در آن نقش مهمی داشت، کار مبارزه‌ی صفویان را با این قدرت‌ها

دشوار می‌کرد، لیکن نسبت به عثمانی که از نظر بنیه نظامی و سلاح‌های آتشین بر صفویه غلبه داشت، اوزبکان چنان قدرت شکست‌ناپذیری برای صفویه نبودند.

تنش‌های بین صفویان و گورکانیان نیز غالباً حول مسأله قندهار شکل می‌گرفت که از ابتدای صفویه تا پایان بارها این شهر بین دو دولت دست به دست شد و هیچگاه به طور قطعی در دست یکی از دولتین باقی نماند. اگرچه رابطه صفویه با گورکانیان مسالمت‌آمیزتر از آن دو قدرت دیگر بود و درگیری‌های نظامی شدید بین دو کشور، نظیر چالدران یا مرو و جام پدید نیامد، اما تلاش دو کشور برای حاکمیت بر قندهار، گاه مشکلات جدی را در مناسبات صفویه و گورکانیان پدید آورد.

در حاکمیت شاه صفی، دولت ایران در ادامه‌ی مناسبات خود با همسایگان، با هر سه دولت مسأله پیدا کرد. شاه صفی به دلیل آن که سعی داشت از وارد شدن در عملیات نظامی گسترده پرهیز نماید، در ابتدا سیاست آرامی را در قبال همسایگان پیش گرفت. اما این سیاست موجب دلیری برخی از مرزداران و سرداران این همسایگان، به ویژه اوزبکان و عثمانیان گشت. در نتیجه در عهد او، آثار عدم امنیت مرزی در مرزهای کشور و ضعف‌های پیاپی نظامی پدیدار گشت. اوزبکان مجدداً خراسان را مورد تاخت و تاز قرار دادند و بارها دست به تهاجم و قتل و غارت زدند. شاه صفی ناچار با تغییر سیاست مدارا و نرمش خود در برابر اوزبکان، موضع شدیدتری گرفت و سرداران او سرانجام توانستند که اوزبکان را به شکست و تن دادن به مصالحه و برقراری رابطه‌ای مسالمت‌آمیز وادار نمایند.

عثمانیان نیز حمله‌ی گسترده‌ی خود را به مناطق غربی کشور، کردستان، آذربایجان و گرجستان آغاز کردند که منجر به بروز درگیری‌های متعدد بین طرفین و خسارت‌ها و تلفات انسانی زیادی شد. این جنگ‌ها حدود یک دهه با شدت و ضعف ادامه یافت و سرانجام در ۱۰۴۸ ه.ق.، عثمانیان توانستند با شکست دادن شاه صفی، بغداد و بین‌النهرین را از ایران جدا کنند و ضعف نظامی شاه صفی در برابر همسایه غربی کاملاً پدیدار گشت. گورکانیان هند نیز در این دوره به راحتی توانستند شهر مهم قندهار را از دست شاه صفی خارج کنند. او که گرفتار جنگ با عثمانی و درگیری‌های پراکنده با اوزبکان بود ناچار وضع موجود را به امید فراهم شدن فرصت مناسب تحمل کرد و تلاش‌های او به نتیجه‌ای منجر نشد.

این پژوهش کوششی است برای بررسی مناسبات سیاسی و نظامی شاه صفی با اوزبکان که ضمن اشاره به پیشینه‌ی این مناسبات و علل و موجبات درگیری‌ها، سیاست شاه صفی در این ارتباط تبیین می‌شود.

۱-۲- بیان مسأله

همان گونه که در مقدمه آمد، دولت صفویه از همان آغاز تأسیس (۹۰۷ ه.ق.) با همسایگان خود در شرق و غرب کشور نظیر عثمانیان، اوزبکان و گورکانیان هند، مناسباتی را رقم زد که وجه غالب آن، درگیری‌های نظامی و کشمکش و ستیزه بود. در میان این دولت‌ها، تنش میان صفویان با اوزبکان و عثمانیان شدیدتر بوده

و این ستیزه‌ها، جنگ‌های مهمی را بین طرفین شکل داد. درگیری‌های اوزبکان با صفویان که از همان آغاز با رویارویی دو حریف قدرتمند یعنی محمدخان شیبانی (شیبک خان) اوزبک و شاه اسماعیل صفوی رخ داد، در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت. این درگیری‌ها بیشتر بر سر ولایت خراسان بود که از نظر سوق‌الجیشی و اقتصادی مهم بود و اوزبکان قصد تصرف آن را داشتند و صفویان نیز برای حفظ آن و تثبیت مرزهای شرقی، بارها به مقابله‌ی آنان شتافتند. در حاکمیت شاه صفی سیاست آرام اولیه‌ی وی موجب بروز عدم امنیت در مرزهای کشور، ضعف‌های نظامی پیاپی و دلیری برخی از مرزداران و سرداران اوزبک شد و در نتیجه بار دیگر خراسان را مورد تاخت و تاز قرار داده و دست به تهاجم و قتل و غارت زدند. اما شاه صفی با تغییر سیاست مدارا و نرمش خود، در برابر اوزبکان، موضع شدیدتری گرفت و سرداران او سرانجام توانستند اوزبکان را شکست داده و آنان را وادار نمایند که به برقراری مصالحه در رابطه‌ی مسالمت‌آمیز تن در دهند. در این رساله، علاوه بر بررسی زمینه‌ها و عوامل خصومت و ستیزه‌های دیرینه‌ی صفویان و اوزبکان، به منازعات این دو همسایه در دوره زمامداری شاه صفی (۱۰۵۲ - ۱۰۳۸ ه.ق.) به ویژه بر سر ایالت خراسان پرداخته شده و ضمن بررسی عوامل درگیری‌ها و شرح تهاجمات مکرر اوزبکان، روند رابطه این دو قدرت با یکدیگر در این دوره تبیین می‌گردد.

۱-۳- پرسش‌های پژوهش

اساس این پژوهش بر طرح یک پرسش اصلی و دو پرسش فرعی بدین شرح قرار دارد:

پرسش اصلی پژوهش:

عامل اصلی در صورت‌بندی مناسبات دو دولت صفویه و اوزبکان در عصر حاکمیت شاه صفی چه بوده است و چرا؟

پرسش‌های فرعی:

- ۱- سیاست دو دولت صفویه و اوزبکان در عصر شاه صفی نسبت به ایالت خراسان چگونه بوده است؟
- ۲- معاهده‌ی صلح زهاب بین ایران و عثمانی در عصر شاه صفی در وضعیت رابطه‌ی صفویه - اوزبکان چه تأثیری داشت؟

۱-۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پیشنهادی که بتوان بر مبنای آن‌ها روند تحقیق را ادامه داد و پاسخ‌های مناسبی برای پرسش‌های مذکور ارائه کرد، از این قرار است.

فرضیه اصلی:

علاوه بر تفاوت دیدگاه‌های مذهبی و پیشینه‌ی دشمنی و نزاع دیرینه‌ی دو دولت، ایالت خراسان به سبب موقعیت راهبردی در شرق ایران، اهمیت تجاری - اقتصادی، گستره‌ی سرزمینی و چشم‌انداز طبیعی، حیات شهری و بازارهای برخوردار از مصنوعات و ملزومات، عامل عمده‌ای در صورت‌بندی رابطه صفویه با اوزبکان در این دوره بوده است.

فرضیه‌های فرعی:

۱- سیاست اوزبکان نسبت به خراسان تهاجم مکرر به قصد تصرف سرزمینی یا غارت و چپاول در راستای استحکام پایه‌های حکومت خود بود و سیاست صفویه دفاع در برابر تهاجمات با مصون‌سازی سرحدات و تشکیل سپاه ویژه‌ی خراسان و حفظ این ایالت مهم در حوزه‌ی حاکمیتی خویش بوده است.

۲- معاهده‌ی صلح زهاب (۱۰۴۸ ه. ق) بین صفویه و عثمانی که منجر به دوره‌های آرامش بین دو دولت شد، اوزبکان را از بهره‌مندی حمایتی عثمانی در ستیزه با ایران محروم کرد و صفویه از آزادی عمل بیشتری در برابر اوزبکان برای وارد کردن شکست بر آن‌ها برخوردار شد.

۱-۵- پیشینه‌ی موضوع

در منابع تاریخی عصر صفویه، گزارش‌های روایی از حوادث و مناسبات صفویه و اوزبکان در لابه‌لای حوادث تاریخی این دوره توسط مورخان رسمی ارائه شده که آگاهی‌های اولیه را برای سامان دادن این پژوهش به دست می‌دهند. بر مبنای همین گزارش‌ها، در کتاب‌های تألیفی جدید نظیر تاریخ نظامی ایران در عصر صفویه تألیف خانابا بیانی، روابط صفویه و اوزبکان (۱۰۳۱-۹۱۳ ه. ق) تألیف عباسقلی غفاریفرد که تا دوره‌ی شاه عباس یکم را بررسی کرده است به شکل توصیفی به روند این حوادث پرداخته‌اند. اما درباره‌ی موضوع این پژوهش یعنی بررسی رابطه‌ی صفویه و اوزبکان در عصر شاه صفی به صورت مستقل و به شیوه تحلیلی و رویکرد پژوهشی، کار ویژه‌ای صورت نگرفته و پژوهش حاضر می‌تواند خلاء موجود را برطرف نماید.

۱-۶- ضرورت‌ها و اهداف پژوهش

بررسی و شناخت عوامل هم‌گرایی و یا ستیزه و خصومت (واگرایی) میان دولت‌های همسایه در برهه‌های تاریخی به منظور پرهیز از آسیب‌ها و تقویت مبانی استحکام پیوند دولت‌ها در شرایط کنونی از ضرورت‌هایی است که یک پژوهش تاریخی می‌تواند به آن دست یابد. بر مبنای این ضرورت، اهداف این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- بررسی و تبیین چگونگی رابطه‌ی صفویه و اوزبکان در عصر شاه صفی؛

۲- بررسی و تحلیل زمینه‌ها و علل این رابطه؛

۳- بررسی جایگاه ایالت خراسان در روابط بین دو دولت؛

۴- بررسی پیامدهای این رابطه در حیات سیاسی - نظامی دو همسایه.

۱-۷- روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است که با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش توصیفی - تحلیلی است و بر اساس گردآوری اطلاعات از منابع تاریخی و تجزیه و تحلیل این اطلاعات بر مبنای پرسش‌های مطرح شده، موضوع پژوهش سامان‌دهی می‌شود. روش گردآوری اطلاعات نیز مبتنی بر پژوهش کتابخانه‌ای است که با ابزار فیش، به شیوه‌ی فیش‌برداری از منابع، دسته‌بندی فیش‌ها با توجه به عناوین اصلی و فرعی موضوع، انجام می‌گیرد.

۱-۸- ساختار پژوهش

پژوهش حاضر که با هدف تحلیل روابط صفویه و اوزبکان در عصر شاه صفی در خلال سال‌های ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ هـ.ق. فراهم آمده در پنج فصل تنظیم شده است و در این فصول کوشش شده تا براساس تعلیل و ریشه‌یابی وقایع، هدف مورد نظر در حد میسر تبیین گردد.

در فصل اول، کلیات پژوهش شامل مقدمه، تعریف مسأله، پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، روش پژوهش، پیشینه‌ی پژوهش، مروری بر منابع و ساختار پژوهش تنظیم شده است که اساس کار پایان‌نامه را تبیین می‌کند.

فصل دوم، چشم‌انداز کلی است بر تحولات سیاسی صفویه از آغاز تا شاه صفی که مدخلی است برای ورود به مقوله‌ی اصلی پژوهش. زیرا مروری بر تحولات پدید آمده در عرصه سیاسی که در دراز مدت در زمینه‌سازی سلطنت شاه صفی تأثیر داشته ضروری می‌نماید. تلاش شاه اسماعیل اول برای دستیابی به حاکمیت و تثبیت قدرت و پایه‌گذاری دولت صفویه، منازعات و جدال درونی و تهاجمات گسترده‌ی همسایگان: عثمانیان و اوزبکان به مرزهای غرب و شمال شرق کشور در دوره طهماسب اول، تحولات ایام جانشینان طهماسب که جلوه‌ای از نابسامانی داخلی و ناتوانی سیاسی صفویه بود و سرانجام سلطنت عباس اول که در دوره‌ی اقتدار دولت صفوی و شکوفایی اقتصادی آن بود، زمینه‌هایی است که در این فصل بر آن تأکید شده است.

در فصل سوم، اجمالی از زندگانی شاه صفی به عنوان شخصیتی که موضوع اصلی پژوهش حول او شکل می‌گیرد و نیز تحولات عصر وی با تأکید بر سیاست داخلی مطرح شده است.

فصل چهارم، مروری است بر تحولات اوزبکان از چگونگی تأسیس تا مراحل بعدی قدرت در هم‌آوردی با صفویه.

فصل پنجم نیز بررسی سیاست شاه صفی با اوزبکان است. با زمامداری شاه صفی و در نتیجه‌ی آشکار شدن ضعف او و فرصت پدید آمده در اثر مرگ شاه عباس و تغییر زمامداری، سپس ناتوانی‌های نظامی شاه صفی، مرزهای کشور دچار آشفتگی شد و بار دیگر تهاجم همسایگان به قلمرو صفوی آغاز گشت. وقوع درگیری‌های نظامی بین ایران و عثمانی که سرانجام به جدا شدن بغداد و بین‌النهرین از ایران و انعقاد صلح زهاب منجر شد و تهاجمات مکرر اوزبکان به نواحی شرقی به ویژه خراسان و جدا شدن قندهار از ایران توسط گورکانیان، از تحولات عمده‌ی نظامی میان صفویه و همسایگان خود در عصر شاه صفی است. در این فصل، عوامل و زمینه‌های خصومت و سیر تاریخی درگیری‌های صفویان با اوزبکان و عوامل این مناسبات، پیامدها و نتایج آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۱-۹- مروری بر منابع پژوهش

یکی از ویژگی‌های دوره‌ی صفویه، وجود منابع غنی و متعدد اعم از تواریخ مورخان داخلی آن عصر و نیز سفرنامه‌های متعدد اروپاییان است که در قالب هیأت‌های سیاسی، مذهبی، سیاح و ماجراجو و تاجر و فروشنده به ایران سفر کردند و شرح مشاهدات خود را همراه با اطلاعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران عصر صفویه به نگارش درآوردند. به‌رغم وجود چنین منابعی درباره‌ی کلیت تاریخ صفویه، دوره‌ی مورد نظر این رساله یعنی عصر زمامداری شاه صفی چندان مورد توجه مورخان متقدم قرار نگرفته و محققین جدید نیز که درباره‌ی اوضاع ایران در دوره‌ی دیگر سلاطین پیش از شاه صفی تحقیقات ارزنده‌ای ارائه داده‌اند، اما به طور خاص دوره‌ی شاه صفی مطمح نظر آنان قرار نگرفته است. شاید عدم وجود عملیات نظامی برجسته و حوادث سیاسی عمده در زمامداری شاه صفی که معمولاً مورد توجه مورخان قدیم بوده و تاریخ‌نگاری آنان براساس وقایع سیاسی - نظامی مبتنی بود یکی از عوامل این کم‌شماری منابع است. با این وجود می‌توان واقعه‌نگارانی را مطرح کرد که به حوادث عصر شاه صفی پرداخته‌اند و گزارش‌های آنان حداقل در زمینه‌های سیاسی نظامی می‌تواند محقق را یاری رساند.

اثر محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی به نام *خلاصه‌السير*^۱ کتاب مستقلی است در تاریخ وقایع و حوادث سراسر روزگار پادشاهی شاه صفی که مؤلف آن از افراد اردو و مأموران دستگاه آن پادشاه بوده است. به نقل خود مؤلف وی زمانی که نزد پدرش می‌زیست به مطالعه‌ی کتب و شغل نویسندگی اوقات صرف می‌نمود. در عهد پادشاهی شاه عباس به خدمت در اردوی دولتی وارد گشت و منصب «اشراف شترخان» را یافت و به این مناسبت مدت دوازده سال در سفر و حضر در اردوی پادشاهی بود و چون از

۱ - اصفهانی، محمد معصوم بن خواجگی، *خلاصه‌السير*، تاریخ روزگار شاه صفی صفوی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸.

طرز کارش رضامندی حاصل شده بود «اشراف طویله» (اشراف اصطبل) ضمیمه‌ی کار و منصب پیشین او شد.

محمد معصوم چون دارای سواد ادبی و ذوق شعری بود و متون بعضی از تواریخ را می‌خواند طرف صحبت شاه عباس اول و سپس شاه صفی بود و حسب وظیفه در اغلب سفرهای شاه همراه اردو می‌بود. وی در ابتدا قصد نگارش تاریخ عمومی از اول آفرینش عالم تا زمان خویش را به طور خلاصه می‌کند اما شاه صفی او را از انجام این کار باز می‌دارد و مؤلف را مکلف می‌نماید که به نگارش احوال و اخبار روزگار او به طور تفصیل پردازد. از این روی، از بخش‌های دیگر کتاب خلاصه‌السیر تاکنون چیزی دیده نشده و قسمت پادشاهی روزگار شاه صفی را خود «مقصد سیم از مطلب چهارم» عنوان داده و همین متن باقی مانده است. مؤلف به دلیل حضورش در اردو و در سفرهای شاه، اطلاعاتی را در کتاب مندرج ساخته که مبتنی بر مشاهدات و مسموعات و اطلاعات شخصی او از وقایع و حوادث و سفرها و جنگ‌هاست.

خلاصه‌السیر علاوه بر دارا بودن تاریخ جنگ‌های داخلی و خارجی شاه صفی، نکات بسیاری در ارتباط با مسائل مدنی و اجتماعی آن روزگار به دست می‌دهد. این مورخ که مدت طولانی را در خدمت دربار صفوی گذرانیده وقایع را در جانبداری دولت صفویه نگاشته و در تمجید و مدح نیروهای نظامی صفوی در مقابله با دشمنان - که وی با آنها به دیده خصومت می‌نگرد - عبارت‌پردازی‌ها کرده و همه جا شاه صفی را با لقب «حضرت ظل‌اللهی» یاد می‌کند. از این نظر غلو و گزافه‌گویی درباره‌ی شاه صفی در این اثر بسیار است و نسبت به قیام‌ها و حرکت‌های مخالف دولت خصومت ورزیده و لحن او نسبت به دشمنان صفویه کینه‌توزانه است. بنابراین کار محقق را در فهم ریشه‌یابی حوادث دچار مشکل می‌کند که نیاز به دقت و ظرافت خاصی است. از آنجا که این اثر بیشتر به حوادث سیاسی و نظامی و مبادله‌ی سفرا و این گونه امور پرداخته در زمینه‌ی مسائل اقتصادی و فرهنگی چندان کمکی به ما نمی‌رساند.

اسکندریبگ ترکمان ملقب به منشی از دیگر مورخان عصر صفوی است که حوادث پنج سال اولیه‌ی سلطنت شاه صفی را در **ذیل تاریخ عالم آرای عباسی** نگاشته است. اسکندریبگ که اصلاً از ایل چادر نشین ترکمان آذربایجان بوده است نخست جزو نگهبانان شاهی و سپس در دستگاه مرکزی حکومت شاه عباس خدمت می‌کرد. وی با استفاده از بایگانی دولتی که در دسترس داشت و این که شاهد عینی و یا شریک بسیاری از وقایع سیاسی بود در سال ۱۰۳۹ هـ. ق/ ۱۶۲۹ م. تاریخ حکومت شاه عباس اول را تحت عنوان «تاریخ عالم آرای عباسی»^۱ تنظیم کرد. این تألیف مرکب از یک مقدمه درباره‌ی تاریخ ایران در عهد نخستین سلاطین صفوی تا سال ۹۷۹ هـ. ق و دو صحیفه است که در صحیفه نخست تاریخ ایران را مفصلاً از ۹۷۹

۱ - ترکمان منشی، اسکندریبگ، تاریخ عالم آرای عباسی، ۳ ج (در دو مجلد)، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر و کتابفروشی تأیید اصفهان، ۱۳۵۰. منشی، اسکندریبگ، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ۳ ج، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۷.

تا ۹۹۶ هـ ق (۱۵۸۷-۱۵۷۱م) یعنی از تاریخ تولد شاه عباس اول تا جلوس وی بر تخت سلطنت نقل می‌کند. صحیفه دوم خود مشتمل بر دو «مقصد» است. مقصد اول در شرح وقایع سی سال اول حکومت شاه عباس اول و مقصد دوم وقایع دوره‌ای که از سال ۱۰۲۵ هـ ق/۱۶۱۶م شروع و تا آغاز سال ۱۰۳۹ هـ ق یعنی درگذشت شاه عباس اول پایان می‌یابد.

تاریخ عالم‌آرای عباسی اثری است که از لحاظ تاریخ ثلث آخر سده دهم هجری/ شانزدهم میلادی، و ثلث اول سده یازدهم هجری/ هفدهم میلادی ایران واجد ارزش فوق‌العاده می‌باشد و مؤلف خود شاهد و ناظر بسیاری از وقایع و حوادث آن دوران بوده و این امر از ویژگی‌های برجسته و امتیاز خاص این اثر است. با این که طبق سنت قدیمی تاریخ‌نگاری در اثر اسکندر بیگ منشی نیز تاریخ نظامی مقام اول را حائز است، اما به حکومت داخلی و امور مالی و طرز وصول مالیات‌ها نیز توجه فراوان شده است. در بخش‌های مختلف این اثر، اطلاعات ارزنده‌ای درباره‌ی انواع مالکیت ارضی و قبایل چادر نشین و امیران آن‌ها و از هم پاشیدگی قدرت امیران محلی متنغد و غیره به چشم می‌خورد. مؤلف در اثر خود به تاریخ بعضی از نواحی و قیام‌های مردم به تفصیل پرداخته است هر چند با نگرشی در حمایت از صفویه به این گونه حرکت‌ها و قیام‌ها خصوصت ورزیده است. مواد تراجم احوال در این اثر که شرح حال مختصری از امرای بزرگ (رهبران قبایل ترکمن) مأموران نظامی، سادات، شیوخ و علما، وزرا، مستوفیان و اعضای دیوانسالاری، پزشکان، خوشنویسان، هنرمندان و شاعران این دوره است در جای خود ارزشمند است. از این اثر در بررسی پیشینه‌ی تاریخی حوادث سیاسی- نظامی عصر شاه صفی که نیازمند نگرش بر توالی وقایع در ازمه پیش از وی بوده به‌ویژه عصر شاه عباس که نزدیک به دوره‌ی مورد نظر است، بهره‌ی شایان برده شده است.

گزارش‌های همین مورخ درباره‌ی وقایع پنج سال اولیه‌ی سلطنت شاه صفی در ذیلی که بر تاریخ عالم‌آرای عباسی نگاشته و شرح وقایع را تا سال ۴-۱۰۴۳ هـ ق/ ۴-۱۶۳۳م. رسانیده در شناخت حوادث سیاسی نظامی دوران اولیه‌ی این پادشاه منبع ارزشمندی است که در تبیین این وقایع در رساله از آن استفاده شده است. با این که برخی از ویژگی‌های خلقی و رفتاری شاه صفی در لابلای شرح حوادث به دست می‌آید، اما به دلیل فرا رسیدن مرگ اسکندر بیگ او نتوانسته که به اوضاع اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی عصر شاه صفی بپردازد. ضمن این که شرح او از حوادث سیاسی و نظامی این چند ساله نیز از روی جانبداری از صفویه و از دیدگاه نظام حاکم است که در تبیین این گونه مسائل نیازمند دقت و تأمل است. ذیل اسکندر بیگ با بقیه حوادث ایام شاه صفی که از کتاب «خلدبرین» تألیف محمدیوسف واله اصفهانی گرفته شده توسط سهیلی خوانساری با عنوان **ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی**^۱ منتشر شده است.

۱ - ترکمان (منشی) اسکندر بیگ و محمدیوسف مورخ، ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح سهیلی خوانساری، تهران، چاپخانه اسلامی، ۱۳۷۱.

تاریخ شاه صفی تألیف سوانح‌نگار تفرشی^۱، تاریخ‌نگار و سراینده‌ی دوره‌ی شاه عباس و شاه صفی، دربر دارنده‌ی تاریخ چهارده سال زمامداری شاه صفی از آغاز تا مرگ وی است. این اثر، افزون بر ارائه‌ی آگاهی‌های سودمند از اوضاع سیاسی و نظامی ایران در دوره‌ی حکومت شاه صفی، از لحاظ اشمال بر اطلاعات پراکنده‌ی اجتماعی، شرح حال رجال دوره‌ی صفوی، آگاهی‌های جغرافیایی درباره‌ی شهرها، قریه‌ها و موقعیت آن‌ها و ... نیز مهم است. مهم‌ترین منبع آگاهی‌های مؤلف درباره‌ی حوادث دوران حکومت شاه صفی که وی دستور داشته آن‌ها را بنگارد، همان مشاهدات و شنیده‌های او بوده‌اند.

این کتاب به لحاظ سبک نگارش در جزء آثار مصنوع، مسجّع و پرتکلف سده یازدهم هجری قمری قرار دارد و به‌رغم موجز بودن آن، یک مجموعه‌ی مهم تاریخی، ادبی و اجتماعی است. به لحاظ شیوه تاریخ-نگاری این اثر که سیاسی-نظامی است، گزارش‌های ارزنده‌ای درباره‌ی درگیری‌های صفویان با عثمانیان و اوزبکان و تهاجمات نیروهای اوزبک به خراسان و اقدامات سرداران شاه صفی در مقابله با آن‌ها به دست داده است که در این رساله از این گزارش‌ها استفاده شده است.

اثر میر محمدحسین تفرشی^۲ شامل وقایع تاریخی ایران در سه ساله‌ی نخست حکومت شاه صفی (۱۰۴۰-۱۰۳۸ ه.ق) از دیگر منابع مرتبط با موضوع این رساله است. این اثر به دو قسمت جداگانه تقسیم می‌شود. قسمت نخست آن به تاریخ شاه صفی اختصاص دارد که ناتمام مانده و بخش دوم کتاب شامل مجموعه‌ای از منشآت (۷۵ نامه) است.^۳ تفرشی از رجال شناخته شده‌ی عصر شاه عباس یکم است که در خدمت حاتم‌بیگ اردوبادی، وزیر مشهور شاه عباس قرار داشت و به نوشته‌ی اسکندریبگ منشی «از سادات عالی درجات تفرش و به فضایل و کمالات علمی و عملی آراسته و در فن انشاء و تفنن عبارات و استعارات بامزه، سلیقه‌ی درست و رتبه‌ی عالی»^۴ داشته است. تفرشی از سوی شاه صفی مأمور نوشتن تاریخ سلطنت وی می‌شود و قصد داشته که سیر حوادث و وقایع عهد او را در یک مقدمه و چند باب بنویسد اما تنها موفق به نوشتن مقدمه و دو باب از آن می‌شود. از این روی آگاهی چندانی درباره‌ی روابط شاه صفی با همسایگان به‌ویژه اوزبکان در اختیار قرار نمی‌دهد، اما در شناخت چهره‌ی شاه صفی و حوادث ایام چند ساله‌ی نخست سلطنت او مفید است.

۱ - سوانح‌نگار تفرشی، ابوالمفاخر بن فضل‌الله الحسینی، تاریخ شاه صفی (تاریخ تحولات ایران در سال‌های ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۸.

۲ - تفرشی، میر محمدحسین الحسینی، مبادی تاریخ زمان نواب رضوان مکان (شاه صفی)، ضمیمه تاریخ شاه صفی، تألیف ابوالمفاخر بن فضل‌الله الحسینی سوانح‌نگار تفرشی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۸.

۳ - بخش منشآت این اثر، جداگانه تصحیح و به چاپ رسیده است: تفرشی، محمدحسین بن فضل‌الله حسینی، منشآت تفرشی (مجموعه‌ای از نامه‌های اخوانی و دیوانی دوران صفویه)، پژوهش، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.

۴ - منشی، اسکندریبگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۲، ص ۱۲۴۱.

خلدبرین تألیف میرزا محمدیوسف قزوینی اصفهانی، متخلص به واله، منشی مکاتبات شاهی، که از کتاب‌های تاریخی مهم عصر صفوی است در اصل تاریخ عمومی بزرگی است در هشت روضه و یک خاتمه که روضه آخر که بیش‌ترین بخش کتاب را تشکیل می‌دهد، حاوی تاریخ ایران در عهد صفویه است.^۱ روضه هشتم که در پادشاهی صفویان است خود در بر گیرنده‌ی هفت حدیقه است و در آن سرگذشت شاهان صفوی و حوادث ایام آنان را از شاه اسماعیل اول تا شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ هـ.ق) آورده و خاتمه کتاب نیز در شرح حال شاه سلیمان صفوی است. حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم وقایع دوران شاه صفی و شاه عباس دوم را دربر گرفته است. در این اثر که به سال ۱۰۷۸ هـ.ق. نگاشته شده، حوادث به تفصیل بیان شده و حوادث سیاسی و نظامی برای مؤلف از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در نگارش مطالب جانبداری وی از صفویه و نیروهای قزلباش آشکار است. مؤلف در فراهم آوردن این کتاب تاریخی بزرگ به ویژه روضه‌هایی که در بر گیرنده‌ی وقایع تاریخی پیش از خود است بیش‌تر متکی به منابعی است که توسط مورخین متقدم تألیف شده است. از این نظر جز تفصیل حوادث، مطلب خاصی بر آن‌ها نیفزوده است. اما در بیان حوادث عصر خویش از مشاهدات شخصی و شنیده‌ها و اطلاعات درباری مدد گرفته است.

اهمیت این اثر علاوه بر دارا بودن اطلاعات تاریخی، در اختصاص دادن مجالسی است در ذکر امرا و خوانین و سادات و مشایخ و علما و وزرا و ارباب مناصب، حکما، اطبا، خوشنویسان، نقاشان و مذهب‌بان و شعرا و بزم آریان عصر صفوی در پایان هر حدیقه، که طبق یک سنت تاریخ‌نگاری بخش تراجم احوال رجال این کتاب را تشکیل می‌دهد و در اصل از تاریخ عالم‌آرای عباسی پیروی کرده و از اطلاعات آن استفاده کرده است. از این اثر ضمن استفاده در تشریح پیشینه‌ی تاریخی حوادث عصر شاه صفی، به لحاظ این که وقایع ایام این پادشاه را نیز نگاشته در این خصوص نیز مورد استفاده قرار گرفته است.^۲ در بررسی مناسبات ایران با عثمانی، اوزبکان و گورکانیان هند، برخی شورش‌های داخلی و دیگر وقایع عصر زمامداری شاه صفی، این اثر اطلاعات روایی تفصیلی را به دست داده که به عنوان یکی از مآخذ اصلی بر آن تکیه شده است.

از دیگر منابع متقدم که در این رساله از آن بهره گرفته شده، **تاریخ سلطانی** اثر حسن بن مرتضی حسینی استرآبادی^۳ است که کتابی است در تاریخ عمومی و بخش سوم آن حوادث دوران بین زندگانی شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا پایان حکمرانی شاه صفی را در بر می‌گیرد. مؤلف کتاب در این بخش کوشیده تاریخ

۱ - واله اصفهانی، محمدیوسف، خلدبرین، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.

۲ - واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (خلدبرین)، تصحیح، تعلیق و توضیحات محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.

۳ - استرآبادی، حسن بن مرتضی حسینی، از شیخ صفی تا شاه صفی از تاریخ سلطانی، به اهتمام احسان اشراقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۶.

صفویه را از زمان شیخ صفی تا شاه صفی که حدود چهار قرن به طول انجامیده است، از کتب معتبر تاریخی و انسب استخراج کرده و آن را به شکلی موجز و مختصر عرضه کند. او از کتاب‌های پیش از خود در تنظیم مطالب به قدر مقدور استفاده کرده و مطالب را بر سبیل اجمال و اختصار آورده است. در واقع عرضه‌ی مطالبی به این تفصیل و گستردگی به نحوی خلاصه و فشرده همراه با نقل قول‌ها و ذکر مآخذ و منابع یکی از محسنات تاریخ سلطانی است. عرضه‌ی مطالب به شکلی ساده و به دور از مغلق‌نویسی و خودداری از آوردن اشعار مفصل از دیگر امتیازهای این کتاب است. با این حال مطالب او درباره‌ی منشاء دودمان صفویه و انسب سلاطین آن در حقیقت تکرار همان مطالب مورخان رسمی دوران صفویه است.

در واقع تاریخ سلطانی بیش‌تر به شکل یک تقویم و روزشماری است برای توالی حوادث گوناگونی که در طی حکومت سلاطین صفوی واقع شده است. از این اثر به ویژه از بخش مربوط به شاه صفی در این رساله استفاده شده لیکن مطالب آن مختصر و برگرفته شده از متون پیش از خود و براساس سال جلوس و با ذکر روز، ماه و سال هجری تنظیم شده و حوادث به طور پیوسته و با تفصیل بیان نشده است. در ضبط برخی اسامی و یا اماکن و نیز تاریخ برخی رویدادها با منابع پیش از خود تفاوت‌هایی دارد.

کتاب **قصص الخاقانی** تألیف ولی‌قلی بیگ شاملو^۱ از دیگر منابعی است که در نگارش این رساله به آن مراجعه شده است. این کتاب در تاریخ مختصر صفویه است تا پایان پادشاهی شاه صفی و تاریخ مفصل شاه عباس دوم از ولادت تا وفات اوست. مطالب مربوط به شاه صفی در آخر باب دوم کتاب قرار دارد. مؤلف که از طبع شاعرانه برخوردار بوده به حماسه‌سرایی تمایلی ویژه داشته و چندین هزار بیت شعر در اثر خود آورده است و بسیاری از حوادث را در قالب شعر بیان کرده است. از نکات درخور درباره‌ی این اثر آن است که مؤلف وقایع را با دیدی هواخواهانه از شیعه و پادشاهان صفویه و دفاع از قزلباش‌ها به رشته‌ی تحریر کشیده است. حوادث سلاطین صفوی از شاه اسماعیل تا شاه عباس دوم به اختصار آمده و همین نیز برگرفته از متون تاریخی پیش از مؤلف است. همین بیان اجمال از حوادث، کار را دشوار می‌نماید.

مثلاً در شرح برخی حوادث و یا شورش‌های داخلی عصر شاه صفی یا در آن ذکری به میان نیامده یا در چند سطر به ذکر آن اکتفا شده است. ولی آنجا که به درگیری ایران و عثمانی در این دوره می‌پردازد، به تفصیل اما با حماسه‌سرایی و در قالب اشعار آن را بیان کرده است که تبیین آن در خلال این اشعار نیاز به دقت و ظرافت خاص است. حوادث زمان شاه عباس دوم که مؤلف در بیش‌تر موارد خود در میدان حوادث بوده و بسیاری از وقایع را به چشم شاهد بوده به تفصیل بیان شده است. علاوه بر این‌ها، صورت بسیاری از دستورات عملی و احکام و فرمان‌ها و وقف‌نامه‌های پادشاهان صفوی و ماده تاریخ‌های فراوان و شرح انواع بناهای بزرگ عصر صفویه در این اثر فراهم آمده است که سودمند می‌نماید.

۱ - شاملو، ولی‌قلی بن داود قلّی، قصص الخاقانی، تصحیح حسن سادات ناصری، ج ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.